

نقد

صیانت از میراث فرهنگی با بودجه ۵۰۰میلیاردی!

شهرام زارع*

■ هنوز چندی از رفتن حمید بقایی از سازمان میراث‌فرهنگی و گردشگری نگذشته‌ است که روح‌الله احمدزاده‌کرمانی، رییس جدید این سازمان در نخستین نشستش با خبرنگاران از نیاز این سازمان به بودجه ۳۰۰درصدی سخن ساز کرده‌ است.احمدزاده ضمن بیان چند راهکار «برای مشکل خروج آثار از ثبت ملی» چنین گفته است: سرجمع اعتبارات در حوزه میراث‌فرهنگی کشور کمتر از ۵۰هلمیلیارد تومان است در حالی که براساس برآوردهای انجام‌شده ما سالانه به اعتباری حدود ۵۰۰هلمیلیارد تومان برای تملک، احیا، مرمت و نگهداری آثار نیاز داریم» با این حال مشکلات کنونی میراث‌فرهنگی بیش از آنکه پیوندی با افزایش و کاهش بودجه این سازمان داشته باشد، مربوط به نیروی انسانی و توان مدیریتی آن است. توفیق نسبی مدیران تشکیلات میراث‌فرهنگی، طی دهه ۳۰ تا میانه ۵۰، هیچ‌گاه به‌واسطه برخورداری از بودجه‌های گزاف نبوده است. کسان‌ی چون سیدمحمدتقی مصطفوی، عبدالعلی پورمند، عزت‌الله نگهبان و فیروز باقرزاده در زمانه‌ای که کمتر خبری از دل‌های نفتی بود، به مدد عشق، علاقه، انضباط، دانش و کاردانی‌ای که داشتند در تدبیر امور این حوزه کارنامه خوبی از خود به‌جا گذاشتند. آنها و اقربان آنها بعضا سوار بر قاطر کورگر‌راه‌های بسیاری را برای سرکشی به یادمان‌ها و محوطه‌های تاریخی می‌پیومند، دست به قلم داشتند و با قلی مالامال از عشق و علاقه، انبوه تجربه‌هایشان را در راه پژوهش، نگهداری و معرفی میراث‌فرهنگی و معنوی این سرزمین به کار می‌گرفتند. کارنامه سازمان میراث‌فرهنگی در دهه ۶۰ و ۷۰ هم نشان می‌دهد هنوز این سازمان به ریشه کارشناسی و نیروی انسانی خود استوار بوده است و هرچند به اقتضای شرایط حاکم بر کشور (مثلا سال‌های جنگ تحمیلی) فعالیت‌هایش نوسان پیدا می‌کرد اما همچنان پلرچا بود و توانا اما از نیمه دهه ۸۰ افول تدریجی سازمان میراث‌فرهنگی آغاز شد. سرانجام در پایان دهه ۸۰ صدماتی که به این سازمان وارد آمد آنچنان بی‌سابقه بود که در تاریخ یک‌صدساله تشکیلات میراث‌فرهنگی ایران نمونه‌ای برابر خود ندارد. تا هنگامی که سازمان میراث‌فرهنگی چندپاره و از هم گسسته است، کارشناسان و پژوهشگران و کتابخانه و مرکز اسنادش در شهرستان‌ها پراکنده‌اند و مدیرانش از مراکزِی چون شهرداری و استانداری و آموزش و پرورش و با تحصیلات نامرتبِط پرگزیده می‌شوند که با هزاران میلیارد بودجه هم معضلات آن‌رق نمی‌شود و سامان نمی‌گیرد. این سازمان برای رهایی از بحرانی که با آن دست به گریبان است به نیروهای با تجربه و دانشمندی چون شادروان مهندس باقر ای‌الله‌زاده شیرازی و زنده‌یاد دکتر مسعود آژنوش بیش از هر چیزی نیازمند است. نیروهایی که دوصیچندان افزون از بودجه‌های ۵۰۰میلیاردی کارایی داشته‌اند.

■ **باستان‌شناس**

دریچه

روح شهر

علی رنگینچیان*

■ یکی از دوستانی که در پروژه ساماندهی حرم حضرت امیر(ع) در نجف اشرف مشغول به‌کار بود، نقل می‌کرد که با کمک یکی از همکاران عراقی با دانشجویی فراوان توانسته بود کارت تردد کوه‌نمادی برای ورود به بغداد بگیرد و وارد این شهر اسرارآمیز شود. می‌گفت با اینکه بغداد شرف است آشوب‌زده و ناپساملان، اما «روح شهر» همچنان تو را دربرمی‌گیرد. انگار که در فضای داستان‌های هزار و یک‌شکب قدم می‌زنی و با علی بابا هم‌گام و هم‌فهم می‌شوی. خاطره بغداد، جذاب و شیرین است، حتی بغداد جنگی. «روح شهر» آنچنان پیوسته به کالبد بناست که با حذف کالبد هم به‌سادگی نمی‌توان آن را زدود. مطمئنا اصفهان امروز، فاقد فضا و حال و هوای اصفهان صفوی است، اما روحی که در آن دمیده شده، حس فضایی و مکان‌ی اصفهان را شکل داده است که البته این نیز نه در دوره صفوی که از پیش از آن آغاز شده و در دوره صفوی به کمال خود رسیده است. از همین رو است که تجربه سفر و توقف در مکان تجربه‌ای است منحصر به‌فرد و خاص که تنها با بودن در آن نقطه به‌دست می‌آید. همین‌طور است تجربه دیدار از شیراز زنده، تهران قاجاربه و قس علیهداد. اما مقصد از آنچه گفته شد انشارهای است به تخریب‌های زنجیره‌ای و بی‌دریی نشانه‌های کالبدی شهرهای تاریخی، چه در زمینه میراث فرهنگی و چه در مورد میراث طبیعی و زیست‌ست. تصور اصفهان بدون زاینده‌رود، دشوار است. مظاهر تهران قاجاری که در دوره رضاشاه با ویرانی دروازه‌های شهر آغاز شد، به سرعت با تخریب تک‌بناهای پراکنده در تهران در حال تکمیل است. چه تفاوتی دارد، آنچه از بین می‌رود، لوکیش‌های تازه ساخته‌شده سریال مختارنامه باشد یا خانه امین‌السلطان (اتحادیه)، محل فیلمبرداری سریال دای‌ای‌جان ناپلئون. سرای دلگشا تخریب شده، تا بازار کویتی‌های دیگری، فروش پوشاک تولید چین را رونق دوجندان دهد. میراث اقلیت نیز از این‌گزند در امان نمانده است. هنوز افسوس تخریب کلیسای مینی‌مال اندیمشک در نهادمان که خبر ویرانی کلیسایی در کرمان به‌کوش می‌رسد. قبح تخریب بناهای تاریخی ریخته شده است. دیگر نه کسی از تخریب یک بنا واهمی‌ دارد و نه کسی به تخریب آنها توجه می‌کند. با روند کنونی دیرزمانی نمی‌یاد که تنها ما خواهیم ماند («روح شهرهای تاریخی‌مان»

■ **کارشناس ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی**



نقشهٔ طرح‌های ترمیمی

در گذر از چهارمجال و بختیاری تا خوزستان، آنجا که بیچ و خم جاده‌ها مسافران را میهمان روستاها و مسکن مردم ایل بختیاری می‌کند، شیرهای سنگی کوچک و بزرگ با غرور و عظمت می‌بدیلی که نشان از دلآوری و قهرمانی در میان این مردمان دارد یکی یکی رخنمایی می‌کنند. شیر در فرهنگ ایران نشانه قدرت و شجاعت بوده و از دیرباز همواره در نماد ملی این مرز و بوم جایگاه خاص خود را داشته است. شیرسنگی که به زبان بختیاری بردشیر خوانده می‌شود با توجه به این اندیشه کهن به پاسداشت مقام نام آوران و پهلوان بختیاری از سنگ‌های کوه‌های زاگرس تراشیده و بر مزار درگذشتگان نصب می‌شد؛ شیری که بر پهلویش نقش شمشر، اسب، تفنگ و بر گردنش مشخصات متوفی را داشت. اما در حال حاضر گذشته از اینکه این رسم دیگر متداول نیست؛ از شمار بردشیرهایی هم که از سال‌ها پیش در گورستان‌های بختیاری موطن داشته‌اند کم شده است. قلمرو شیرهای سنگی در استان‌های چهارمجال و بختیاری و خوزستان در اثر بی‌توجهی مسوولان میراث فرهنگی و ناآگاهی بعضی افراد نسبت به اهمیت این میراث در معرض تهدید جدی قرار گرفته و تاکنون هیچ اقدامی در راستای شناسایی، ساماندهی و شناسنامه‌دار کردن آنها صورت نگرفته‌است.

برددشیرهای قربانی

هیبت بردشیرهای بختیاری در این سال‌ها طعمه‌احداث و تخریف جاده‌ها، توسعه شهرها و روستاها در اقدام‌های شتابزده شهرداران و مسوولان بوده و در موارد بسیار زیاد نیز از گزند طمع قاچاقچیان اشیای عتیقه در امان نبوده‌اند. همچنین گفته می‌شود آبگیری سدها در آینده نه چندان دور شمار دیگری از شیرهای سنگی باارزش را قربانی خواهد کرد.

میراث



نقشهٔ طرح‌های ترمیمی

یادگاران بختیاری رو به نابودی می‌روند

انقراض شیرهای سنگی

مصومه شهباز

وضعیت شیرهای سنگی گورستان قدیمی گهرو در جاده چهارمجال و بختیاری به خوزستان مثالی مشهود از وضع اسفناک بردشیرهای بختیاری است. قبلا عملیات تعریض خیابان مجاور به گورستان، احداث جاده خوزستان و سامان دهی امامزاده جعفر، شماری از شیرهای سنگی این ناحیه را زخمی، شکسته و نابود کرده و اکنون این گورستان قرار است در طرح توسعه شهر گهرو به فضای سبز تبدیل شود. به گفته اهالی این منطقه تعدادی از شیرهای سنگی بر اثر ایجاد انفجار در کوهی در مجاور گورستان شکسته و نابود شدند؛ تعدادی از آنها شبانه به سرقت رفتند و شماری هم از ناحیه پا یا تیشه ضربه خوردند و نقش زمین شدند، چرا که مردم عادی گمان می‌کردند در پای شیرها گنج پنهان شده است.

در حال حاضر برخی از قسمت‌های محوطه این گورستان به منظور ایجاد گذرگاه، سنگ فرش و اطراف آن در اثر تعریض خیابان محدود شده است. شیرهای سنگی شکسته‌شده در این محدوده گواه تأثیرات سوء این تغییرات ناگهانی و نبود آگاهی کافی در مورد حفظ شیرهای سنگی در این گورستان است.

سدها، قیرستان بردشیران

سلمان فرجی، پژوهشگر و فعال میراث فرهنگی در رابطه

زلزله در فهرست آثار ملی

محدودیت‌های مالی گفته می‌شود، توانی برای مرمت آنها ندارد و از این رو، باب شکایت‌ها و ناراضی‌ها از اعمال قوانین مربوطه نیز باز می‌شود. در خوشبختانه‌ترین حالت، سازمان میراث‌فرهنگی اعلام می‌کند حاضر به مشارکت و تامین نیمی از هزینه‌های مربوط به مرمت آثار است. اما از آنجا که نیم‌دیگر از هزینه‌ها باید توسط مالکانی تامین شود که اعمال قوانین حفاظتی از آثار ملی شامل حال ملکشان شده و بسیاری از آنها یا توان مالی مربوطه را ندارند یا در خلأهای قانونی، کارشناسی‌های شتابزده و ضعف‌های مالی دولت و مالکان در هم آمیخته شده و آنچه این وسط دست به دست می‌شود، بناهایی است که قرار است بار حفظ تاریخ این سرزمین را به دوش بکشند.

ثبت آثار تاریخی در فهرست آثار ملی سابقه‌ای حدودا ۸۰ساله دارد. اما در این ۸۰ سال هزاران پرونده و نامه، شکایت درخصوص آثاری که به ثبت رسیده، در حال ثبت هستند یا هنوز به ثبت نرسیده‌اند باز شده است و در هر مرجع ممکن پیگیری شده است. ایده‌آل ثبت آثار در فهرست آثار ملی آن بود که با مشارکت عمومی در زسر چتر قانون، بناهایی که شاخص‌های تاریخی هستند، حفظ شوند. اما در عمل و در بسیاری از موارد نه انگیزه‌ای برای مشارکت عمومی باقی مانده و نه چتر قانون توانست از بسیاری از آثار حفاظت کند. آنچه بدیهی است، سازوکارهای قانونی باید چارچوب‌های حفاظتی از آثار تاریخی ایران را فراهم آوردند و آنجا که انگشت قانون روی آثار تاریخی که در تملک اشخاص حقیقی و بعضا حقوقی هستند، گذاشته می‌شود در عمل علاوه بر اینکه کمترین پشتیبانی مالی از بسترسازی‌های مناسب جهت اجرای قانون صورت نمی‌گیرد، تعارضات متفاوتی نیز در حکم‌های صادره و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی از سوی نهادهای دولتی و حقوقی برای این دست از املاک صادر می‌شود و ماجرا درست از همین جا آغاز می‌شود.

حادثترین شرایط در حال حاضر برای آن دسته از آثاری به وجود آمده و می‌آید که در تملک اشخاص حقیقی قرار دارند. بسیار هستند خانه‌های تاریخی، محوطه‌های باستانی، حجره‌ها، مغازه‌ها، حمام‌ها و ده‌ها بنای دارای ارزش تاریخی دیگری که چه از دوران باستان و چه از دوران زنده، صفویه، قاجاریه و… به‌جا مانده که فی‌نفسه شرایط ثبت در فهرست آثار ملی و اعمال قوانین مربوط به آنها را دارند، اما از آنجا که توان مالی برای مرمت، حفظ و احیای این آثار که عمدتا باید با تعامل مالکان مربوطه صورت بگیرد، وجود ندارد، لاجرم منتهی به وقوع شرایطی غریب برای این دست از آثار تاریخی می‌شود. در یک‌سوی ماجرا بناهایی هستند که سازمان میراث‌فرهنگی به هر شکل ممکن طی سال‌های گذشته موفق به ثبت آنها در ردیف آثار ملی شده است، اما به دلیل آنچه

نگاه کارشناس

ضرورت توجه به حفاظت پیشگیرانه در میراث‌فرهنگی

مجدالدین رحیمی*

■ یادگاران تاریخی آینهٔ عبرت و میراثی برای جامعه بشری است. در راستای حفاظت، شناخت و بهره‌برداری از دارایی‌های تاریخی، تبیین سیاست‌های منطقی و اصولی اهمیت فراوانی دارد. فرهنگ عمومی جامعه نیز نقش بسزایی در حفاظت، شناخت و بهره‌برداری از یادگاران تاریخی دارد. ترویج و اشاعه فرهنگ صحیح گردشگری در راستای شناخت بهتر یادگاران تاریخی و در ک عملکرد هر بازدیدکننده در مکلیسم بازدید از یادگاران تاریخی موجب کاهش تأثیرات مخرب ناشی از بازدید غیراصولی از یادگاران تاریخی خواهد شد.

براساس بند ج ماده واحده قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۱۰ یکی از رسالت‌های اصلی سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور «بررسی، شناسایی، ثبت و حفاظت از آثار ارزشمند منقول و غیرمنقول فرهنگی و تاریخی کشور است.» بر اساس بند ۱۰ ماده سه اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور «هییه و اجرای طرح‌های لازم به منظور حراست، حفاظت، تعمیر و مرمت و احیای آثار، بناها و مجموعه‌های باارزش فرهنگی… تاریخی» از وظایف این سازمان تعریف شده است. هرچند ادغام‌هایی در این سازمان طی سالیان گذشته رخ داده است. اما این قوانین به قوت خود باقی هستند و دارای اعتبار. اما برآستی این وظیفه مهم تا چه اندازه مورد توجه واقع شده است؟ حفاظت به معنی تلاش هوشیارانه و هوشمندانه در راستای جلوگیری از وارد شدن آسیب به میراث فرهنگی است. در این فرآیند، راهکارهایی قرار دارد که با اعمال آن امکان بررسی و کنترل وضعیت موجود یادگاران تاریخی به صورت مستمر صورت می‌پذیرد و فرآیند شناخت بسیار دقیقی از اثر و تعامل آن با شرایط محیطی را میسر می‌کند. متخصصان امر مرمت با کنترل این داده‌ها که حاصل عملیات ماینیورینگ و پایش محیطی استسب براختی می‌توانند عوامل آسیب‌رسان و مکتلیسم تأثیر مخرب آنها را شناسایی و مورد بررسی و تحلیل قرار دهند.

بر اساس نتایج حاصل از این عملیات حفاظتی تمهیدات خاصی اتخاذ می‌شود تا از بروز تأثیرات مخرب بر یادگاران تاریخی جلوگیری به عمل آید. مجموعه این اقدامات را می‌توان حفاظت هوشمندانه و هوشیارانه در قبال یادگاران تاریخی دانست زیرا با تحت نظر داشتن مستمر وضعیت کالبدی در تعامل با محیط رفتار شناسی دقیقی صورت می‌پذیرد و در این فرآیند حفاظت علاج واقع‌ه را می‌توان قبل از وقوع انجام داد.

اصل مهم حفاظت پیشگیرانه در حوزه میراث فرهنگی، نیازمندی بازنگری و تحولی اساسی است. با توجه به مسیر تحولات به وجود آمده و تکنولوژی‌های نوین امروزی مکتلیسم پایش و ماینیورنگ یادگاران تاریخی موضوعی مهم و فراموش شده‌است. برآستی در این حوزه علاج واقع‌ه را باید قبل از وقوع انجام داد. کنترل دقیق وضعیت موجود یادگاران تاریخی و ثبت و ضبط وضعیت اثر در بازدهای زمانی مشخص به طور مستمر ما را در بررسی سیر فرسایش و عوامل فرساینده قرار خواهد داد و با مستندت دقیق و علمی ناشی از پایش و ماینیورنگ یادگاران تاریخی، موفق خواهیم شد. از بروز بسیاری از لطمات بر یادگاران تاریخی جلوگیری کنیم. با توجه به اینکه یادگاران تاریخی از نظر استاتیک و سلامت کالبدی در حالت آرمانی و مطلوبی نیستند توجه به امر ماینیورینگ و پایش محیطی در راستای حفاظت پیشگیرانه ضرورت بسیاری دارد. بنابراین پرداختن به این امر مهم قبل از بروز آسیب‌های بیشتر برای یادگاران تاریخی به متولیان امر ترمیم و ترمیمه و ترمیمه و ترمیمه ضرورت فراهم کردن حداقل‌های گردشگری بازدید غیراصولی فقط بازدیددی نیست که گردشگر به کالبد اثر لطمه‌ای وارد کند بلکه، مجموعه عواملی است که باعث می‌شود گردشگر بهره کافی را از بازدید نبرده باشد. از عمده ضرایف موجود در این خصوص می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- عدم معرفی دقیق و اصولی اثر به بازدیدکننده،
- عدم تعریف مسیر بازدید،
- عدم تقمیم اهمیت کاربری اثر در آن زمان،
- عدم تقمیم تأثیر اثر در مسیر تحولات فرهنگی و جایگاه آن در این فرآیند،
- عدم معرفی سایر یادگاران تاریخی مرتبط با آن اثر تاریخی،
- عدم ایجاد شرایط یک بازدید کامل از بخش‌های مختلف یادگان تاریخی،
- عدم ارائه خدمات متناسب با مکان به بازدیدکنندگان و…

تأثیرات ناشی از این امر موجب می‌شود بازدیدکننده بدون برنامه‌ریزی و غیرهذفمند به بازدید از جاذبه‌های میراث فرهنگی بپردازد و با سردرگمی به بازدید خود پایان بخشد. می‌گمان عدم توجه به موارد فوق و نبود سناریو بازدید از جاذبه‌های میراث فرهنگی ضمن اعمال شایبه‌های ذهنی غیرواقع، موجب اتلاف زمان و به هدر رفتن سرمایه ملی و کاهش تمایل به بازدید از یادگاران تاریخی خواهد شد. ضرورت دارد برنامه‌ریزی بازدید و معرفی یادگاران تاریخی، هذفمند و دارای سناریوی بازدید مطلوب باشد. بسیاری از یادگاران تاریخی ارزشمند ما به دلیل کمبود نیروی انسانی متخصص، یا کمبود اعتبار مالی یا نبود یک استراتژی هوشمندانه و اصولی مورد حفاظت، مرمت و بهره‌برداری قرار نمی‌گیرند و به حال خود رها شده‌اند. بی‌گمان متروکه شدن یادگاران تاریخی منجر به مخروبه شدن آن خواهد شد و این بی‌توجهی متولیان، منجر به تأثیرات مخرب غیرقابل جبرانی بر یادگاران تاریخی می‌شود.

■ **کارشناس ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی**

«مناسب و ایمن» بهانه‌هایی بودند که مانع از حفظ بافت سنتی و بقای تعهد بنابر ساختار تاریخی آن شده است و در نتیجه گاهی مساجدی از تیغ مرمت بیرون آمده‌اند که بیشتر به یک مسجد امروزی که در دهه ۷۰، ۸۰ و ۹۰شمسی احداث می‌شوند شباهت دارند، تا مساجدی که مربوط به یک قرن و دو قرن پیش باشند.

به این فهرست البته باید محوطه‌های تاریخی و باستانی که هنوز مورد کاوش قرار نگرفته و در حال حاضر یا زیر شخم کشاورزان هستند یا توسط باغداران با کود و آب تغذیه می‌شوند یا توسط بخش‌های خصوصی و بعضا دولتی ساختمان‌هایی در آنها ساخته می‌شوند هم اضافه کرد. تمامی آنها یا آنکه در ردیف آثار ملی قرار می‌گیرند، اما بنابر دلایل پرشماری از جمله وجود آثار در زیر لایه‌های خاک (و نه در مقابل چشم)، اغماض‌های مصلحتی برای افزایش تعامل با مردم یا نهادها، عدم توان مالی برای تملک محوطه و دایر کردن کارگاه‌های حفاری و مرمتی، کمبود چشمگیر کارشناسان و نیروهای حفاظتی، شتابزدگی در برخی از کارشناسی‌های صورت گرفته و موارد دیگری از این دست، باعث شده‌اند تا چنین محوطه‌های ارزشمندی با وجود ظرفیت‌های چشمگیر تاریخی و باستانی، بعضا به سرنوشته‌هایی تلخ‌تر از ساختمان‌ها و تک بناهای تاریخی مبتلا شوند. اما این ماجرا درخصوص بناهایی که هنوز در فهرست آثار ملی قرار نگرفته‌اند، حتی نامیدکننده‌تر هم به نظر می‌رسد.

اطلاع یافتن طیف گسترده‌تری از مالکان بناهایی که ملک آنها ارزش ثبت در فهرست آثار ملی ایران دارد، از قوانینی که «دست و پا گیر» به نظر می‌رسند، عمدا یا موجب تخریب سریع‌تر این آثار توسط مالکان شده یا پرسش آنچاست که اگر سازمان میراث‌فرهنگی بر طبق قانون وظیفه حفظ و احیای چنین بناهایی را دارد، پس چرا حمایت‌های مالی مربوطه که می‌تواند متضمن ایجاد بسترهای مناسب‌تر برای اجرای قانون باشد در برای تمامی آثار ثبت شده فراهم نمی‌آورد؟ آیا صرف اعمال یک‌سویه قانون می‌تواند ضامن بقای آثاری باشد که بعضا توسط مالکان‌شان به عنوان بناهای کلنگی دیده می‌شوند که هیچ درآمد اقتصادی از آن نمی‌توانند داشته باشند؟ آیا تلاوم پرونده‌سازی‌های شتابزده و ناقص برای آثار در حال ثبت می‌تواند ضامن بقای آثار باشد؟ تلاوم سکوت مالی آثار و اختلافتظانگیزی در دستگاه‌های دولتی (از جمله سازمان میراث‌فرهنگی و دیوان عدالت اداری) از جمله مواردی هستند که این روزها برای صدها و هزاران اثر ثبت‌شده و ثبت‌نشده در فهرست آثار ملی ایران شاخ و شانه کشیده و لرزه بر این فهرست ۳۰هزار اثری می‌اندازند.

آیا برخورد سازمان‌های متولی و نهادهای قانون گذار و سیاست‌گذار با «آثار ملی» اینچنین ادامه خواهد یافت و همچنان شکایت‌های بخش خصوصی و مالکان شخصی که بعضا چاره‌ای جز تخریب ملک برایشان باقی نمانده، تداوم خواهد یافت؟ یا آنکه زمان آن رسیده است که به موازات بسترسازی‌های عملی برای توسعه گردشگری در ایران با هدف تبدیل آثار ثبت شده در فهرست آثار ملی به فضاهای گردشگریزیر با هدف رونق اقتصادی و فرهنگی، بازنگری در قوانین و توسعه مشوق‌ها و تسهیلات برای مالکان را نیز در دستور کار قرار داد؟ شاید یافتن پاسخ‌هایی مناسب برای این پرسش‌ها بتواند از گسترش تخریب آثار تاریخی در ایران به ویژه آن دسته از اثرهایی که خودشان را به فهرست آثار ملی رسانده‌اند، بکاهد.

نقشهٔ طرح‌های ترمیمی